گفت‌وگو
مهسا گربندی

لزوم اقدام فوری برای سازگاری با اقلیم جدید در گفت‌وگوی «جوان» با صادق ضیائیان

غافل از خشکسالی جهانی صدسال آینده‌ایم!

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا: مشکل اصلی این است که الگوی مصرف ما متناسب با تغییرات بارش تغییر نمی‌کند

وقتی میزان بارندگی کاهش می‌یابد، مصرف ما همچنان در سطح سال‌های پربارش باقی می‌ماند! این همان جایی است که مدیریت منابع آب اهمیت پیدا می‌کند

درگیر یکی از شدیدترین بحران‌های اقلیمی در تاریخ هستیم، بحرانی که دیگر صرفاً حاصل کاهش بارش یا تغییرات طبیعی نیست، بلکه نتیجه سال‌ها سوءمدیریت منابع آب، برداشت‌های غیرمجاز، الگوی مصرف نادرست و نادیده گرفتن هشدارهای کارشناسان است. خشکسالی‌های پی‌درپی، کاهش مخازن آبی و افزایش برداشت آب برای کشاورزی و صادرات، کشور را به مرحله‌ای رسانده که بحران آب دیگر یک هشدار نیست، بلکه واقعیت زندگی روزمره مردم شده‌است. صادق ضیائیان، رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا در گفت‌وگو با «جوان» هشدار می‌دهد که اگر راهکارهای جدی اتخاذ نشود، ۱۰ تا ۲۰ سال آینده کشور فاجعه‌بار خواهد شد و با ادامه روند جهانی افزایش دما، ایران تا پایان قرن با افزایش پنج تا شش درجه‌ای دما، بحران‌هایی به مراتب شدیدتر را تجربه خواهد کرد. این شرایط نه تنها محیط‌زیست و کشاورزی را تهدید می‌کند، بلکه پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای را نیز در پی دارد و نسل‌های آینده را در معرض مخاطره قرار می‌دهد.

آقای ضیائیان، بسیاری از کارشناسان معتقدند بخشی از خشکی بی‌سابقه کشور تنها ناشی از تغییرات طبیعی اقلیم نیست، بلکه حاصل دخالت‌های انسانی در چرخه آب و طبیعت است. از نگاه شما، سهم فعالیت‌های انسانی در این وضعیت چقدر است؟ آیا می‌توان گفت ما خودمان اقلیم کشور را به نقطه ناپایداری رسانده‌ایم؟

باید بین دو مفهوم تفاوت قائل شویم؛ یکی کمبود بارش و دیگری کمبود آب. این دو پدیده الزماً یکسان نیستند. فعالیت‌های انسانی تأثیری مستقیم بر میزان بارش ندارند، اما در کمبود آب نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارند.

مشکل اصلی این است که الگوی مصرف ما متناسب با تغییرات بارش تغییر نمی‌کند. وقتی میزان بارندگی کاهش می‌یابد، مصرف ما همچنان در سطح سال‌های پربارش باقی می‌ماند. این همان جایی است که مدیریت منابع آب اهمیت پیدا می‌کند.

ما می‌توانیم با اقداماتی درست، از همین منابع محدود آب به‌صورت کارآمدتری استفاده کنیم. یکی از مهم‌ترین راهکارها، کاهش تلفات آب در شبکه‌های آبرسانی است. بخش قابل‌توجهی از آبی که با زحمت تأمین می‌شود، در مسیر انتقال و توزیع از بین می‌رود. موضوع مهم دیگر، تغییر رویکرد ذخیره‌سازی آب است. در کشوری مانند ایران که تبخیر بسیار بالاست، اتکای صرف به سدسازی چندان مؤثر نیست، زیرا حجم زیادی از آب پشت سدها تبخیر می‌شود. در گذشته، نیاکان ما با روش‌های بومی مانند قنات، آب‌انبار و هدایت آب به سفره‌های زیرزمینی توانسته بودند آب را به‌طور طبیعی و پایدار ذخیره کنند. بازگشت به این الگوها می‌تواند راهی مؤثر برای سازگاری با شرایط اقلیمی فعلی باشد.

از سوی دیگر، باید الگوی کشت نیز اصلاح شود. به‌جای گسترش سطح زیرکشت یا استفاده از گیاهان پرآب‌بر، باید به سمت کاشت گونه‌های مقاوم به خشکی و کم‌آب‌بر حرکت کنیم. نباید فراموش کرد که بیش از ۸۰ درصد منابع آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. همچنین، روش‌های آبیاری فعلی باید به‌طور اساسی تغییر کند؛ آبیاری بارانی در اقلیم خشک ایران، به‌دلیل تبخیر بالا، کارایی لازم را ندارد. روش‌های آبیاری سطحی یا موضعی که تبخیر را به حداقل می‌رسانند، گزینه‌های مناسب‌تری هستند.

نکته دیگری که باید جدی گرفته شود، مسئله صادرات آب مجازی است؛ یعنی صادرات محصولاتی که در فرآیند تولیدشان آب زیادی مصرف می‌شود. در واقع ما با صادرات این محصولات، آب کشور را صادر می‌کنیم. این روند باید با دقت و در چارچوب منافع ملی مدیریت شود. از طرفی، هیچ سیاستی بدون مشارکت مردم و صرفه‌جویی عمومی نتیجه‌بخش نخواهد بود. متأسفانه الگوی مصرف آب در کشور ما با استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارد، حتی در کشورهای پربارش، آب به اندازه‌ای که در ایران مصرف می‌شود، استفاده نمی‌شود.

در کنار اینها، توسعه‌طرح‌های بازچرخانی و استفاده مجدد از پساب نیز باید جدی گرفته شود. همه این راهکارها به ما کمک می‌کند تا اثرات تغییر اقلیم را کاهش دهیم و در عین حال، خود را با شرایط جدید اقلیمی سازگار کنیم.

با وجود هشدارهای مکرر درباره تشدید خشکسالی، هنوز سیاست‌های آبی و کشاورزی تغییر محسوسی نکرده است. آیا دولت و وزارتخانه‌های مسئول، در عمل به هشدارهای سازمان هواشناسی توجهی می‌کنند؟

نقش اصلی سازمان هواشناسی ارائه هشدار، تحلیل و توصیه است، ما وظیفه داریم وضعیت‌های اقلیمی و جوی را پیش‌بینی کنیم و نتایج را به دستگاه‌های اجرایی و مردم اعلام کنیم، اما اجرای سیاست‌ها و اقدامات اصلاحی در اختیار نهادهای دیگر مانند وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان محیط‌زیست است.

برای مثال، در زمینه مدیریت منابع آب، این وزارتخانه‌ها باید اقداماتی مانند مسدود کردن چاه‌های غیرمجاز، کنترل برداشت از منابع زیرزمینی، اصلاح الگوی کشت و نظارت بر مصرف آب کشاورزی را در دستور کار قرار دهند. وقتی تعداد چاه‌های غیرمجاز زیاد باشد و مصرف آب در بخش کشاورزی بدون برنامه‌ریزی دقیق ادامه پیدا کند، طبیعی است که منابع آبی کشور به سرعت تخلیه می‌شوند و تأثیر هشدارهای هواشناسی عملاً خنثی می‌شود.

بدون شک، برای عبور از بحران آب، تنها پیش‌بینی کافی نیست، باید بین دستگاه‌های مختلف هم‌افزایی، هماهنگی و اراده جدی برای اصلاح الگوهای مصرف و مدیریت منابع وجود داشته باشد.

آیا می‌توان پیش‌بینی کرد که خشکسالی فعلی تا چند سال آینده ادامه پیدا می‌کند؟

خیر، چنین پیش‌بینی دقیقی از نظر علمی ممکن نیست. پیش‌بینی خشکسالی در بازه‌های چندساله، در هیچ نقطه‌ای از جهان با قطعیت قابل انجام نیست. آنچه در اختیار ماست، سناریوهای اقلیمی بلندمدت است که روندها را نشان می‌دهد، نه زمان دقیق تغییرات را.

بر اساس این سناریوها، تا پایان قرن جاری میلادی، احتمال تکرار سال‌های خشک در ایران بیشتر از سال‌های پربارش خواهد بود. به عبارت دیگر، اقلیم کشور به‌سمتی می‌رود که فراوانی سال‌های خشک افزایش و فراوانی سال‌های تر کاهش پیدا می‌کند.

اما از نظر فنی، پیش‌بینی‌های فصلی (که ابزار اصلی ما برای ارزیابی آینده نزدیک هستند) محدودیت زمانی دارند. این پیش‌بینی‌ها معمولاً از یک الی دو هفته تا حدود شش الی نه ماه آینده را پوشش می‌دهند و دقت آنها نیز در بهترین حالت حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد است.

به همین دلیل، نمی‌توان بر پایه این داده‌ها درباره چند سال آینده قضاوت قطعی کرد. حتی در کشورهای دارای فناوری پیشرفته هواشناسی نیز، پیش‌بینی دقیق برای بیش از یک یا دو فصل، با عدم‌قطعیت بالایی همراه می‌شود.

اگر روند کنونی، یعنی تداوم خشکسالی و بی‌عملی در اجرای سیاست‌های سازگاری با اقلیم ادامه یابد، چشم‌انداز ۱۰ تا ۲۰ سال آینده ایران چگونه خواهد بود؟

آینده بسیار نگران‌کننده‌ای در انتظار کشور است و به‌جرئت می‌توان گفت که چشم‌انداز پیش‌رو فاجعه‌بار خواهد بود.

بر اساس مدل‌های اقلیمی، (همانطور که پیش‌تر پاسخ دادم) تا پایان قرن حاضر، تعداد سال‌های خشک ایران به مراتب بیشتر از سال‌های تر خواهد بود. برای درک ابعاد مسئله کافی است به گذشته نگاه کنیم، در ۵۰ سال گذشته، میانگین دمای کشور تنها حدود دو درجه سانتیگراد افزایش یافته و همین افزایش محدود، بحران‌هایی چون افت شدید منابع آبی، فرونشست زمین، افزایش گرد و غبار و نابودی بخشی از پوشش گیاهی را به همراه داشته‌است.

حال تصور کنید اگر روند گرمایش جهانی با همین سرعت ادامه پیدا کند، تا پایان قرن شاهد افزایش دمایی بین پنج تا شش درجه سانتیگراد خواهیم بود. چنین تغییری به‌معنای دگرگونی کامل در الگوهای اقلیمی ایران است، افزایش دما موجب افزایش تبخیر، تشدید مصرف آب، افزایش نیاز آبی گیاهان و در نتیجه، فشار مضاعف بر منابع محدود آب سطحی و زیرزمینی خواهد شد!

به بیان ساده‌تر، کشوری که امروز با دو درجه افزایش دما به وضعیت کنونی رسیده، در صورت افزایش پنج تا شش درجه‌ای، با چالش‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و انسانی بسیار جدی مواجه خواهد شد، از گسترش بیابان‌زایی گرفته تا مهاجرت اقلیمی و تهدید امنیت غذایی.

اگر تدابیر قاطع، جامع و فوری اتخاذ نشود، در دهه‌های آینده مدیریت آب، کشاورزی و حتی زیست در بسیاری از مناطق ایران با دشواری جدی روبه‌رو می‌شود. آینده ایران در گرو آن است که از هم‌اکنون برای سازگاری واقعی با اقلیم جدید تصمیم‌های بزرگ و اجرایی گرفته شود.

در سال‌های اخیر، بارها از «بارورسازی ابرها» به‌عنوان راه‌حلی برای مقابله با خشکسالی نام برده شده است. از دید شما، آیا بارورسازی ابرها می‌تواند راهکار مؤثری برای جبران کم‌بارشی و بحران آب در ایران باشد؟

بارورسازی ابرها در بسیاری از کشورهای جهان انجام می‌شود، اما باید گفت که این روش راهکار اصلی مقابله با خشکسالی نیست و نمی‌تواند بحران کم‌بارشی را برطرف کند. هدف از اجرای این طرح معمولاً افزایش محدود بارش در شرایط خاص است، برای مثال، افزایش چند درصدی حجم آب مخازن سدها یا تغذیه مصنوعی سفره‌های زیرزمینی در بازه‌های زمانی کوتاه.

با این حال، بارورسازی تنها زمانی معنا دارد که زیرساخت‌های جمع‌آوری و ذخیره‌سازی آب حاصل از آن نیز فراهم باشد. اگر آب باریده‌شده بدون مدیریت مؤثر از دست برود، در عمل فایده‌ای نخواهد داشت.

تجربه کشورهای دارای اقلیم خشک و نیمه‌خشک مشابه ایران نیز نشان می‌دهد که هیچ کشوری نتوانسته با اتکای صرف به بارورسازی ابرها مشکل کم‌آبی خود را حل کند. آنها برای سازگاری با اقلیم خشک، از روش‌های دیگر استفاده کرده‌اند، از جمله کنترل شدید برداشت از منابع آب، برخورد قانونی با حفر چاه‌های غیرمجاز و محدودسازی مصرف بی‌رویه آب. در برخی از این کشورها حتی پلیس ویژه آب وجود دارد که تخلفات آبی را جرم تلقی می‌کند!

علاوه بر این سیاست‌های سخت‌گیرانه، آنها ساختار اقتصادی خود را نیز متناسب با اقلیم تغییر داده‌اند، یعنی به‌جای گسترش فعالیت‌های پرمصرف مانند کشاورزی سنتی، به سمت توسعه بخش‌های کم‌مصرف‌تر مثل گردشگری، خدمات و تجارت حرکت کرده‌اند.

همانطور که ایران نیز در گذشته کشوری تجاری بوده نه کشاورزی‌محور، و اقتصادش بر پایه مبادله و تجارت شکل گرفته‌بود. بازگشت به چنین رویکردی، همراه با مدیریت علمی منابع آب، می‌تواند بسیار کارآمدتر از امید بستن به روش‌هایی مانند بارورسازی ابرها باشد.

در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها گاهی تصاویری منتشر می‌شود که نشان می‌دهد بارش‌ها تا مرز ایران ادامه دارند و به محض رسیدن به خاک کشور، متوقف می‌شوند. برخی کاربران این موضوع را به فناوری‌های اقلیمی نسبت می‌دهند. از دید شما، واقعیت علمی پشت این پدیده چیست؟

این برداشت کاملاً نادرست است. بارش‌ها هیچ ارتباطی با اقدامات مصنوعی ندارند. تفاوت در الگوی بارش میان ایران و کشورهای هم‌مرز، ریشه در ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی هر منطقه دارد.

به‌طور طبیعی، میزان بارش در هر منطقه تابع عواملی چون توپوگرافی (پستی و بلندی‌ها)، نزدیکی یا دوری از دریاها و منابع رطوبتی، و الگوهای جوی حاکم بر منطقه است. برای مثال، همین حالا در داخل کشور خودمان هم تفاوت‌های شدیدی در بارش می‌بینیم، امروز در گیلان و مازندران بارش فراوانی رخ می‌دهد، اما در تهران یا اصفهان خبری از باران نیست. این تفاوت نه به‌خاطر مرز یا سیاست، بلکه به‌دلیل تفاوت اقلیم است.

به‌عنوان نمونه، کشور ترکیه میان دو پهنه آبی بزرگ (دریای سیاه و دریای مدیترانه) قرار دارد و از این منابع رطوبتی گسترده بهره‌مند است. طبیعی است که بارش‌های سنگینی در سواحل و مناطق کوهستانی‌اش رخ دهد، اما زمانی که همین سامانه‌های بارشی از ترکیه وارد ایران می‌شوند، در مسیر عبور از رشته‌کوه‌ها، بخش عمده‌ای از رطوبت خود را از دست می‌دهند.

به‌ویژه وقتی این سامانه‌ها از کوه‌های زاگرس عبور می‌کنند، بارش عمدتاً در غرب کشور (استان‌هایی مانند چهارمحال‌وبختیاری و کهگیلویه‌وبویراحمد) اتفاق می‌افتد و با حرکت به‌سمت شرق، یعنی اصفهان و یزد، به‌تدریج از رطوبت آن کاسته می‌شود.

این پدیده یک قانون طبیعی اقلیم و جغرافیاست و در سراسر جهان رخ می‌دهد. بارش‌ها در مناطق مرطوب مجاور دریاها همیشه بیشتر از نواحی داخلی و خشک است. ایران از هزاران سال پیش در زمره کشورهای خشک و نیمه‌خشک بوده و این ویژگی ذاتی اقلیم ماست. به بیان ساده، آنچه در تصاویر ماهواره‌ای دیده می‌شود، انعکاس تفاوت‌های طبیعی اقلیمی و رفتار طبیعی جو و چرخه بارش در منطقه است، نه چیز دیگر.

گزارش
محیا حسینی

کاهش ۸۲ درصدی بارندگی‌های کشور

۲۱ استان بدون بارش!

از ابتدای سال آبی جاری، یعنی از مهر ۱۴۰۴ تا سوم آبان، تنها ۲/۳ میلی‌متر بارش در کشور ثبت‌شده، آماری که سال آبی جاری را به یکی از خشک‌ترین سال‌های نیم‌قرن اخیر تبدیل کرده‌است. بر اساس آمار رسمی شرکت مدیریت منابع آب ایران، میزان بارش در مدت مشابه سال گذشته ۹/۳ میلی‌متر بود، یعنی کاهش ۷۵ درصدی. اگر این میزان را با متوسط بارش‌های ۵۷ سال اخیر مقایسه کنیم، کاهش ۸۲ درصدی بارش‌ها نسبت به سال‌های نرمال مشاهده می‌شود.

در همین بازه زمانی، ۲۱ استان از مجموع ۳۱ استان کشور هیچ بارشی نداشته‌اند، وضعیتی که در تاریخ کشور کم‌سابقه است. تمامی استان‌ها کاهش بارش نسبت به سال گذشته را تجربه کرده‌اند، از ۱۶ درصد کاهش در گلستان تا افت صددرصدی در برخی استان‌ها.

پیامدهای فوری این کم‌بارشی گسترده مشهود است، اینکه سطح آب سدها و مخازن کاهش‌یافته و تأمین آب شرب شهری و روستایی تحت‌تأثیر قرار گرفته‌است. ذخایر آب کشاورزی نیز به شدت کاهش یافته و کشاورزان ناچار به کاهش سطح کشت یا تغییر نوع محصولات شده‌اند، موضوعی که امنیت غذایی و اقتصاد کشاورزی را تهدید می‌کند. کاهش بارندگی‌ها باعث افزایش خشکسالی‌های طولانی‌مدت، تخریب پوشش گیاهی، فرسایش خاک و گسترش بیابان‌زایی شده‌است. علاوه بر این، وقوع ریزگردها و گرد و غبار، سلامت عمومی را به ویژه در مناطق شهری و صنعتی تهدید می‌کند. فشار بر منابع زیرزمینی آب نیز افزایش یافته و برداشت بی‌رویه موجب افت سطح آب‌های زیرزمینی و فرونشست زمین شده‌است. در سطح اقتصادی، کاهش بارش‌ها می‌تواند هزینه تولید محصولات کشاورزی و آبرسانی شهری را بالا برده و فشار بر خانوارهای کم‌درآمد و صنایع وابسته به آب را افزایش دهد.

احد وظیفه، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی، در توضیح این کم‌بارشی بی‌سابقه می‌گوید: «بارندگی در ایران ذاتاً نوسان دارد و این نوسانات در کشور ما شدیدتر به چشم می‌آید. اکنون ششمین سال پیاپی است که یکی از خشک‌ترین پاییزهای چند دهه اخیر را تجربه می‌کنیم.»

او خشکسالی را نتیجه ترکیبی از عوامل طبیعی و انسانی می‌داند. از یک سو، تغییرپذیری طبیعی سامانه اقلیم و نوسانات جوی قرن‌هاست که وجود داشته و از سوی دیگر، تغییرات اقلیمی ناشی از گرمایش زمین، تعداد سال‌های خشک را افزایش داده‌است.

وظیفه توضیح می‌دهد که افزایش گازهای گلخانه‌ای، به ویژه دی‌اکسید کربن، متان و ترکیبات نیتروژنی، باعث افزایش میانگین دمای زمین‌شده و الگوهای جوی را تغییر داده است. جابه‌جایی رودبادها یا جت‌استریم‌ها موجب شده سامانه‌های بارشی از عرض‌های جنوبی‌تر عبور نکرده و در عرض‌های شمالی متمرکز شوند، نتیجه این فرایند، گرم‌تر و خشک‌تر شدن بخش‌هایی از ایران است.

وظیفه اظهار می‌دارد که این روند محدود به ایران نیست: «کشورهایی که در نواحی جنب‌حاره‌ای قرار دارند، مانند مصر، لیبی، سودان، کشورهای حوزه خلیج‌فارس و ترکمنستان، نیز به دلیل تغییر جایگاه سامانه‌های جوی و مهاجرت رودبادها، بیش از گذشته با خشکی و خشکسالی مواجه شده‌اند.»

این داده‌ها و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ایران در مسیر یک بحران آبی جدی قرار دارد. کاهش بی‌سابقه بارش‌ها و پیامدهای گسترده آن، از آب شرب و کشاورزی تا محیط‌زیست و سلامت عمومی، نیازمند توجه فوری و برنامه‌ریزی دقیق است. مدیریت منابع آب، صرفه‌جویی و اتخاذ سیاست‌های سازگار با تغییرات اقلیمی، دیگر تنها گزینه‌های پیشنهادی نیستند، بلکه ضرورتی حیاتی برای حفظ زندگی و توسعه پایدار کشور هستند. وضعیت امروز به وضوح یادآوری می‌کند که مقابله با خشکسالی و تغییرات اقلیمی، چالشی ملی و چندوجهی است که تصمیم‌گیری سریع، علمی و عملی را می‌طلبد.

گزارش‌ها
زهرا چیذری

کاهش ۵۰ درصدی آمار سقط جنین عمدی

با اجرای پویش‌های مردمی همچون «جنبش نفس» و «پویش از حیات جنین» که با حمایت بسیج و گروه‌های جهادی صورت‌گرفته شاهد کاهش چشمگیر سقط‌های عمدی هستیم

یک دوراهی سخت؛ از آن دست دوراهی‌هایی که البته یک مسیرش نور و دیگری تاریکی است، اما گاهی وقت‌ها خیلی چیزها وجود دارد که تو را به سمت تاریکی هل می‌دهد. اینجاست که اگر بتوانی انتخاب درست داشته باشی و وارد مسیر نور و روشنایی شوی، برکت به زندگی‌ات سرازیر می‌شود و شیرینی آرامش این انتخاب درست بر جانت می‌نشیند. این حکایت مادرانی است که در بحبوحه کشاکش درونی برای نگهداشتن یا سقط فرزند ناخواسته‌شان بر کید شیطان پیروز شده‌اند و فرزندشان را نگه داشته‌اند تا خیر و برکت زندگی‌شان شود و حالا با در آغوش کشیدن نوزادشان خدا را بابت هدایت به مسیر نور و روشنایی شکر می‌کنند. در این مسیر اما هستند افرادی که سبب خیر می‌شوند و مادرانی را که قصد سقط جنین دارند، آگاه می‌کنند تا مبادا مرتکب قتل پیش از تولد فرزندشان شوند و یک نفس به دنیای امروزمان اضافه شود. حالا پس از سه سال فعالیت پویش «نفس» برای نخستین‌بار در دو دهه گذشته، روند افزایشی سقط عمدی جنین در ایران نه فقط متوقف شد، بلکه طبق داده‌های جدید، آمار سقط جنین در کشور بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته‌است.

شاید برای سقط جنین هم مانند بسیاری از اقدامات غیرقانونی دیگر نتوان آمار معتبری ارائه داد، با وجود این تا همین یک سال گذشته طبق اعلام رئیس مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت وقت وزارت بهداشت روزانه حدود هزار سقط جنین غیرقانونی در کشور اتفاق می‌افتاد. بگذریم از اینکه برخی آمارها این رقم را تا روزانه ۲ هزار سقط هم گزارش می‌کردند. با فرض همان روزی هزار سقط جنین عمد و فارغ از تبعات فردی و سلامت این کار برای مادرانی که سقط جنین انجام می‌دهند، مرگ پیش از تولد روزانه هزار جنین موجب می‌شد تا ۳۶۰ هزار نفر جمعیت بالقوه‌ای که می‌توانست به جمعیت کشورمان اضافه شود، به کام مرگ فرو روند. بر این اساس، پویش‌هایی همچون پویش نفس شکل گرفت تا با آگاهی بخشی به مادران مانع از سقط جنین شود. حالا سه سال پس از اجرایی شدن این طرح آمارها از موفقیت پویش‌های شکل گرفته برای حمایت از جنین و ممانعت از سقط جنین حکایت دارد به گونه‌ای که سقط جنین عمدی تا ۵۰ درصد کاهش یافته‌است.

روند کاهشی سقط جنین بعد از ۲۰ سال

نتایج آخرین و جامع‌ترین پژوهش شیوع‌شناسی سقط جنین در ایران حاکی از آن است که برای اولین‌بار پس از ۲۰ سال، روند سقط عمدی جنین در ایران که همواره افزایشی بود، به صورت معناداری روزانه ۵۰۰ سقط عمدی کاهش یافته‌است.

به گفته محمداسماعیل اکبری، رئیس پژوهشکده سرطان دانشگاه شهید بهشتی و مسئول این پژوهش درباره مطالعه ملی سقط جنین، این مطالعه با مشارکت دانشگاه‌های معتبر و مراکز پژوهشی در ۳۱ استان کشور انجام شده و قابل تعمیم به کل جمعیت زنان ۱۸ تا ۴۹ سال کشور است.

طرح بررسی فراوانی و علل سقط در جمهوری اسلامی ایران به عنوان جامع‌ترین پژوهش در این حوزه، اطلاعات خود را در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ جمع‌آوری و تحلیل کرده و نتایج آن در سال ۱۴۰۴ منتشر کرده‌است. این مطالعه مقطعی- توصیفی و تحلیلی با رویکرد کمی، اولین تحقیق فراگیری است که تمامی ۳۱ استان کشور را پوشش داده‌است.

این طرح با حجم نمونه ۱۶،۰۴۴ نفر در کل کشور انجام شد و محاسبات حجم نمونه به گونه‌ای صورت گرفت که نتایج در سطح هر استان قابل استناد باشد. جامعه پایه مطالعه، زنان در سن باروری، ۴۹-۱۸ سال بوده‌اند. طبق تأکید پروفسور اکبری این پژوهش کاهش قابل‌توجه سقط عمدی جنین را در سطح کشور نشان می‌دهد. طبق نتایج، تعداد سقط جنین عمدی از حدود ۵۳۰،۰۲۳ مورد در سال ۱۳۹۸ به حدود ۲۵۴،۱۵۳ مورد در سال ۱۴۰۲ کاهش یافته‌است. آمار ثبت‌شده در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد، روزانه هزارو ۲۰۰ سقط عمدی در ابتدای سال به روزانه ۷۰۰ سقط عمدی کاهش داشته‌است. این روند کاهش ۵۰۰ سقط عمد در روز حتی به نسبت کاهش نرخ باروری (به علت جابه‌جایی هرم سنی) نیز سنجش و به صورت محسوسی تأیید شده‌است. در سال‌های گذشته هر ۶۰ ثانیه (یک دقیقه) یک سقط ثبت شده‌بود، ولی در پژوهش جدید، به نرخ هر ۱۲۰ ثانیه (دو دقیقه)، جان یک جنین با سقط جنین، به صورت عمدی گرفته می‌شود.

پویش‌های موفق

امیرحسین بانکی‌پورفرد، رئیس کمیسیون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مجلس هم با اشاره به نتایج پژوهش‌های اخیر گفت: «طبق داده‌های جدید، آمار سقط جنین در کشور بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته که این موفقیت نتیجه تلاش مشترک فعالان مردمی، اجتماعی و رسانه‌ای، به‌ویژه حمایت‌های فرهنگی صدا و سیما است.»

بما به تأکید وی جوسازی رسانه‌ای نسبت به شکست قانون جوانی جمعیت به هیچ وجه پذیرفته نیست، چراکه آمارها نشان می‌دهد این قانون علاوه بر جلوگیری از هزاران سقط جنین در سال توانسته با وجود کاهش آبشاری نمودار تعداد مادران ۲۰ الی ۴۰ سال (بهترین سن برای باروری) که نتیجه سیاستگذاری غلط دوران تنظیم خانواده است، باز هم به نسبت آن خوب عمل کند. فاطمه محمد بیگی، رئیس فراکسیون جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی هم با تأکید بر اینکه در سال‌های اخیر سقط عمدی جنین به یکی از مسائل حساس اجتماعی و اخلاقی جامعه ما تبدیل شده‌بود، می‌گوید: «بررسی‌های جدید نشان می‌دهد که پس از سال‌ها افزایش، اکنون این پدیده در کشور روندی کاهشی و معنادار یافته‌است.»

به گفته وی طی سه سال گذشته با اجرای پویش‌های مردمی همچون «جنبش نفس» و «پویش از حیات جنین» که با حمایت بسیج و گروه‌های جهادی صورت گرفته، شاهد کاهش چشمگیر سقط‌های عمدی هستیم. امروز با ارائه مشاوره‌های مؤثر به خانواده‌ها، نزدیک به دو سوم مواردی که در آستانه تصمیم به سقط قرار داشتند، از این کار منصرف شده‌اند.

نایب‌رئیس اول کمیسیون بهداشت و درمان مجلس تصریح می‌کند: «بسیاری از خانواده‌هایی که در ابتدا تصمیم به سقط گرفته‌بودند، پس از مشاوره و تولد فرزندشان اذعان کرده‌اند که وجود این کودک برای ما برکت و آرامش به همراه آورده است.»

محمدبیگی با هشدار نسبت به عوارض جسمی و روحی سقط غیرقانونی می‌گوید: «به‌عنوان پزشک شاهد بوده‌ام که بسیاری از زنان پس از سقط خودخواسته دچار ناباروری ثانویه، چسبندگی رحم و تخمدان، عفونت‌های لگنی و افسردگی می‌شوند. این آسیب‌ها نه‌تنها سلامت جسم را تهدید می‌کند، بلکه آثار روانی و اجتماعی گسترده‌ای بر جای می‌گذارد.»

به گفته این نماینده مجلس آزمایش‌های اجتماعی نشان داده که اغلب این تصمیم‌ها ناشی از ترس از آینده و مسئولیت‌پذیری پایین است، اما این نگرانی‌ها با مشاوره و آموزش قابل‌رفع است.